

## بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق نگرفته)

حلیمه عنایت<sup>۱</sup>

عبداله نجفی‌اصل<sup>۲</sup>

صادق زارع<sup>۳\*</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۳۱

### چکیده

تحقیق حاضر به بررسی طلاق زود هنگام در بین جوانان شهر بوشهر می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از چهارچوب نظری روانشناسی اجتماعی در نظر دارد به بررسی و مقایسه وضعیت اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و فردی دو گروه از جوانان طلاق گرفته و طلاق نگرفته که از ازدواج آنها کمتر از ۳ سال نگذشته باشد، بپردازد. به لحاظ نوع پژوهش، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مقایسه‌ای می‌باشد که در آن، ابتدا از روش اسنادی برای دریافت نظری و مرور یافته‌های تجربی در زمینه متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده و در بخش دوم از روش پیمایشی (تکنیک پرسشنامه و مصاحبه) برای جمع‌آوری اطلاعات در بین جامعه آماری استفاده شد. حجم نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر بودند که از بین دو گروه (طلاق گرفته و طلاق نگرفته بصورت مساوی) با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. براساس یافته‌ها پاسخگویان متأهل از بیشترین میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر و از کمترین تأثیرپذیری از گروه دوستان، نسبت به پاسخگویان طلاق گرفته برخوردارند. نتایج آزمون t نیز نشان داد که میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، تأثیر پذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. به عبارت دیگر تمامی متغیرهای فوق در افزایش و کاهش طلاق تأثیر دارند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک، بیانگر آن است که سه متغیر امنیت اقتصادی (۰.۹۱۲)، رضایت از زندگی (۰.۸۳۴) و همسان همسری (۰.۹۰۸) دارای ضرایب معنادار در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ هستند و این متغیرها قادر به پیش بینی متغیر ملاک هستند.

**کلیدواژه‌ها:** طلاق زود هنگام، امنیت اقتصادی، همسان همسری، تفاهم زوجین، رضایت از زندگی زناشویی، اعتماد به یکدیگر و آموزشهای قبل از ازدواج.

**Email:** henayat@rose.shiraz.ac.ir

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

**Email:** abdollah.najafy@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد بین‌الملل دانشگاه شیراز

**Email:** s\_zare63@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا (\*نویسنده مسئول)

### مقدمه و بیان مسأله

یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی که منشأ آن به خانواده باز می‌گردد ولی آثار آن علاوه بر خانواده متوجهی کل جامعه نیز می‌شود، پدیده طلاق است. در حقیقت، چنانچه به خانواده به عنوان سیستم اجتماعی که عناصر درون آن دارای همبستگی می‌باشند خلی وارد شود، این مسأله می‌تواند به انسجام و همبستگی کل جامعه نیز خلل وارد نماید؛ به یک معنا، این پدیده‌ی اجتماعی خود معلول علل و عوامل مختلفی است که از عوامل فردی، روحی- روانی و جسمی گرفته تا عوامل اجتماعی را در برمی‌گیرد. زمانی که خانواده در تعامل با جامعه و شرایط اجتماعی موجود قوام اصلی خود را از دست می‌دهد، پدیده‌ای به نام طلاق یعنی جدایی زن و شوهر از یکدیگر و یا به عبارتی فسخ قرارداد زناشویی رخ می‌دهد. هرچند پدیده‌ی طلاق در جوامع، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، متفاوت و با نگرش‌های متنوعی همراه می‌باشد اما افزایش آن می‌تواند آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی جدی‌ای را به همراه داشته باشد زیرا علاوه بر ضربه‌های روحی و عاطفی که به زوج مطلقه وارد می‌سازد مشکلات اجتماعی دیگری همچون طرد زنان مطلقه از خانواده و متعاقب آن از جامعه و بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی کودکان طلاق را رقم می‌زند.

روانشناسان، علل طلاق را بیشتر در سطح فرد و مؤلفه‌های غیر اجتماعی و جامعه‌شناسان، دلایل آن را در ساختارهای اجتماعی جست‌وجو می‌کنند. از نظر جامعه‌شناسان هر کوششی در راستای تبیین دلایل طلاق و ناسازگاری زناشویی مستلزم در نظر گرفتن ماهیت ازدواج بعنوان یک سازمان در درون زمینه اجتماعی فرهنگی است و بررسی تغییرات سازمان‌های اجتماعی ساختاردهنده به تجارب فرد به میزان پاسخ به چرایی احتمال شکست و طلاق در بعضی از زوج-ها اهمیت دارد (Raschke, 1987:348). در مجموع، منابع به وجود آورنده تعارضات زناشویی می‌توانند «درونی» و ناشی از اضطراب‌های دوران کودکی افراد، «بیرونی» و محصول رابطه با دیگران و یا «محیطی» و نتیجه فشارهای اجتماعی روی اعضای خانواده باشد. همچنین مقدار زیادی از تعارضات در ازدواج در زمینه کنترل حول منابعی نظیر پول، کودکان، قدرت و تساوی می‌باشد. در این حالت، وضع مقررات و نقش‌هایی مبتنی بر اعمال «قدرت» از سوی زوجین تعارض میان آنها را دامن می‌زند (Young, 1998: 315).

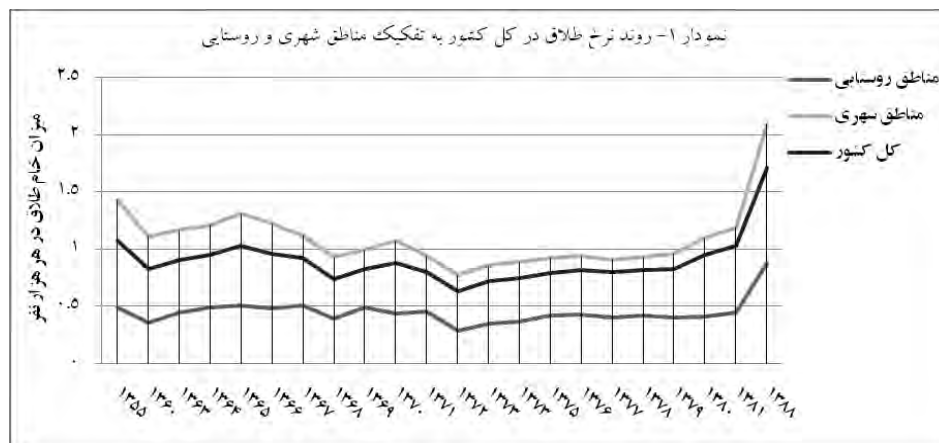
نظریه‌پردازان روان‌تحلیل‌گری<sup>۱</sup> با تأکید بر علل درون‌فردی، ناسازگاری، ویژگی‌های شخصیتی شریک ازدواج را عامل ناپایداری و بروز مشکلات زناشویی و خانوادگی می‌دانند. در این نظریه علاوه بر سوابق و تجارب فرد، «خانواده» از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا فرض بر این است

که فرد تعارض‌های درون روانی خود را از خانواده اصلی‌اش وارد زندگی زناشویی می‌کند و در روابط جدید با همسر و فرزندانش فراقکن می‌شود (Glic and et al, 1987:73). بر مبنای نظریه عقلانی - عاطفی<sup>۱</sup> ناسازگاری زناشویی مدلول مسائل بین فردی و رفتارهای نارسای زن و مرد است و احساسات و رفتارهای آشفته موجود در روابط صرفاً معلول رفتار غلط یکی از طرفین یا یک عامل آسیب‌زای دیگر نیست. در نظریه مذکور، نحوه تفکر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا تفکر می‌تواند به‌طور گسترده به هیجان‌ها و تعاملات آشفته میان زن و مرد و در نهایت اختلال فردی و ارتباطی منجر شود (صالحی فدروی، ۱۳۷۸). تئوری پردازان سیستمی هر عنصری را وابسته به محیط خود و سایر عناصر سیستمی در نظر می‌گیرند که خود نیز جزئی از آن می‌باشد. در این دیدگاه باید هر جزئی را برحسب رابطه‌اش با سایر اجزاء تعریف کرد. نظریه سیستم‌ها بر وابستگی متقابل اعضاء خانواده به یکدیگر تأکید دارد که تنها محدود به امور مالی، مسکن و غذا نیست، بلکه عشق، محبت، رفاقت، همراهی، اجتماعی شدن و سایر نیازهای غیرمحسوس دیگر را نیز در برمی‌گیرد (رایس، ۱۹۹۴، به نقل از منتظری، ۱۳۷۸). سیستم-گرایان معتقدند که باید فرد را در محیط طبیعی خود یعنی خانواده مورد مطالعه قرار داد و معتقدند رفتارهای فرد تابعی از وضعیت و شرایط اوست. آنان نظام‌های خانواده در تعامل با نظام‌های بزرگ‌تر خارج از خود فهم می‌کنند و بر این باورند که در صورت بروز تعارض بین راه-حل‌های نظام خانواده و راه‌حل‌های نظام اجتماعی احتمال بروز اغتشاش و آشفته‌گی افزایش می‌یابد (ثنائی ۱۳۷۵).

طلاق یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی ایران است که گاهی از آن به‌عنوان یک آسیب اجتماعی نام برده می‌شود. این پدیده طی سال‌های اخیر در ایران رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است (نگاه کنید به نمودار شماره ۱).

---

1. Rational – Emotive Theory



ماخذ: سازمان ثبت احوال کشور، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی

خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۹/۰۴/۳۱ اعلام کرده است که تعداد طلاق ثبت شده در سال ۱۳۸۸، ۱۲۵ هزار و ۷۴۷ مورد و نسبت طلاق به ازدواج در این سال ۱۴/۱۲ درصد بوده است به طوری که می‌توان گفت از هر ۷ ازدواج، یک ازدواج به طلاق انجامیده است. همچنین نسبت طلاق به ازدواج طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که این نسبت طی سه دهه گذشته ۲۸ درصد افزایش داشته است که همین امر سبب جلب توجه مقامات رسمی و همچنین دانشمندان علوم اجتماعی کشور شده به این مسأله است و طی سال‌های اخیر مقالات و کتاب‌های زیادی در این زمینه نگاشته شده است. رشد طلاق با تحت تأثیر قرار دادن جامعه در حال گذار ایران مشکلات زیادی را به وجود آورده است، اگر چه خود مسأله طلاق می‌تواند معلول علل‌های دیگر باشد.

با توجه به اینکه طلاق در حال حاضر به عنوان یک مسأله اجتماعی در سطح کشور در حال افزایش می‌باشد و استان بوشهر نیز به‌عنوان بخشی از کشور دستخوش این تغییرات بوده و میزان طلاق در این استان نسبت به دهه قبل افزایش یافته است (سایت ثبت احوال ایران، ۱۳۸۸). لذا تحقیق حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر بروز و شیوع طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری بوشهر خواهیم پرداخت. به این ترتیب با شناسایی عوامل مؤثر بر بروز طلاق، راهکارهای عملی پیشگیری و رفع آنها را به سازمان‌های فرهنگی از جمله استانداری و صدا و سیما استان مطرح خواهیم کرد.

### اهداف پژوهش

هدف کلی تحقیق عبارت است از شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز طلاق زود هنگام در بین جوانان شهر بوشهر. اهداف جزئی نیز به شرح زیر می‌باشد:

۱. بررسی و مقایسه امنیت اقتصادی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۲. بررسی و مقایسه میزان رضایت از زندگی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۳. بررسی و مقایسه میزان ارضای نیازهای عاطفی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۴. بررسی و مقایسه میزان احساس تعلق به خانواده در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۵. بررسی و مقایسه میزان پایبندی دینی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۶. بررسی و مقایسه میزان تأثیرپذیری از گروه دوستان در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۷. بررسی و مقایسه میزان همسان همسری در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته
۸. بررسی و مقایسه میزان تفاهم زناشویی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته

### چهارچوب نظری

#### پیشینه تحقیق

در زمینه عوامل مؤثر بر پیدایش طلاق تحقیقات داخلی و خارجی مختلفی صورت گرفته که هر کدام از جهاتی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند که برخی از مهم‌ترین مطالعات به شرح زیر می‌باشد:

شاید اولین پژوهش درباره دلایل طلاق از دیدگاه افراد مطلقه توسط گوده (۱۹۴۸) انجام شده است. زنان شرکت کننده در پژوهش وی غیرحمایتی بودن همسر، سوء مصرف افراطی الکل، و کم توجهی را دلایل اصلی طلاق عنوان کرده‌اند. از آن زمان تا حالا پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام گرفته است که یافته‌های برخی از این پژوهش‌ها درباره عوامل مؤثر بر طلاق در جدول (۱) خلاصه شده‌اند.

جدول شماره ۱: عوامل مؤثر بر طلاق براساس برخی تحقیقات داخلی و خارجی

| پژوهش                                   | یافته‌ها  |
|---|---|
| کینستون <sup>۱</sup> (۱۹۹۲)             | تعهد افراطی به کار، مشکل با خانواده همسر، رابطه جنسی فرازناشوئی، مشکلات جنسی، فقدان حمایت اقتصادی، بی‌اعتمادی، ناپختگی، فقدان ارتباط                  |
| بلوم، نایلز، تاجر <sup>۲</sup> (۱۹۸۵)   | سوء استفاده جسمانی، سوء مصرف الکل و مواد مخدر   |
| کلیک و پیرسون <sup>۳</sup> (۱۹۸۵)       | سوء مصرف الکل، سوء استفاده جسمانی و عاطفی، خیانت  |
| فلچر <sup>۴</sup> (۱۹۸۳)                | مشکلات شخصیتی، نگرش‌های منفی، رفتارهای مشکل آفرین خاص، رابطه جنسی فرازناشوئی  |
| گرنولد، پدler و شلی <sup>۵</sup> (۱۹۷۹) | فقدان ارتباط، تعارضات نقشی، ارزش‌های سبک زندگی، رابطه جنسی فرازناشوئی، مشکلات جنسی  |
| چلن و مصطفی <sup>۶</sup> (۲۰۰۸)         | خیانت، فقدان عشق، مشکلات عاطفی  |
| زرگر و نشاط دوست <sup>۶</sup> (۱۳۸۶)    | مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت‌های خانواده‌ها، اختلالات روان‌شناختی  |
| ریحانی و عجم <sup>۷</sup> (۱۳۸۱)        | عوامل اخلاقی، مذهبی، اقتصادی  |
| آماتو و پرویتی <sup>۷</sup> (۲۰۰۳)      | سوء مصرف الکل و مواد مخدر ناسازگاری، خیانت، رشد ناموزون   |
| ساواپا و کوهن <sup>۸</sup> (۲۰۰۳)       | سوء استفاده جسمانی، کلامی و جنسی، فقدان تعهد به ازدواج و خانواده، اعتیاد به الکل، بیماری روانی، دخالت خانواده‌ها، فقدان ارتباط، تعارض بر سر سبک زندگی |

- صیاد گلشن در تحقیقی تحت عنوان «طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن» در سال‌های ۷۰-۱۳۶۴ در شهرستان خوی عوامل مؤثر بر طلاق را در شهرنشینی، اشتغال زنان، بیکاری مردان، ازدواج در سنین پایین، وجود اختلاف سنی بین زوجین، کوتاه بودن مدت زناشوئی مشترک، کمی فرزند و بی‌فرزندگی، میزان تحصیلات، پیش‌رسی ازدواج و نوع شغل معرفی می‌کند.

- ساروخانی در اثر معروفش «طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن»، طلاق را پدیده‌ای روانی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ارتباطی معرفی نموده است. مؤلف ضمن پرداختن

1. Kitson, G.C.
2. Bloom, B.L., Niles, R.L., & Tatcher, A.M.
3. Cleek, M.G., & Pearson, T.A.
4. Fletcher, G.J.O.
5. Granvold, D.K., Pedler, L.M., & Schellie, S.G.
6. Chelen, S.C.H., & Mostaffa, S.M.
7. Amato, P.R., & Previti, D.
8. Savaya, R., & Cohen, O.

به تعریف طلاق و تمایز آن از سایر مفاهیم مهم‌ترین روش‌های شناخت طلاق را در قالب روش‌های طولی، مقطعی، عمقی و موردی معرفی می‌کند. وی سستی روابط اجتماعی، قشربندی اجتماعی، تحصیلات، تعداد فرزندان، سن زوجین و قوانین را از عوامل مؤثر بر طلاق می‌داند (ساروخانی، ۱۳۷۶).

- کاملی در تحقیقی به بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود در این زمینه پرداخته است. این پژوهش به بررسی این پدیده طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۵ در جامعه ایران با هدف شناسایی عوامل مؤثر در بروز پدیده طلاق از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و شخصیتی و عوارض ناشی از این پدیده در خانواده‌ها به‌منظور انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در سطح کلان جامعه صورت گرفته است و در پایان با توجه به نتایج حاصله، راهکارهایی پیشنهاد شده است که در کاهش طلاق نقش مؤثری ایفا می‌کند.

#### مبانی نظری پژوهش (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)

با توجه به هدف کلی این تحقیق یعنی شناخت علل و عوامل مؤثر بر بروز طلاق زود هنگام تئوری‌های مورد استفاده در این بررسی به شرح ذیل می‌باشد:

بسیاری از افراد از نظریه مبادله برای تحلیل انتخاب همسر و روابط درونی خانواده استفاده کرده‌اند. این نظریه بر آنچه در جریان مبادله داده و گرفته می‌شود، متمرکز است و همچنین اساس مبادله (بده و بستان) بر پاداش یا مجازات است. مبادله موقعیت بهتر مردان و زیبایی زنان می‌تواند به ازدواج معنی دهد. اگر این وضعیت نابرابر (سطح بالاتر سواد مردان و زیبایی زنان) وجود نداشته باشد، هزینه‌ای که طرفین برای این مبادله (ازدواج) می‌پردازند همسان نخواهد بود و در این صورت طلاق معنا می‌یابد. به عبارت دیگر، اگر بین آنچه افراد در ازدواج می‌پردازند و به دست می‌آورند تعادل برقرار نباشد، زندگی مجردی انتخاب خواهد شد (مورستین، ۱۹۸۰: ۷۸۵).

نظریه کنش متقابل نمادین با محوریت مفهوم نقش به خانواده به‌عنوان نظامی از نقش‌ها توجه می‌کند. بدین لحاظ نظریه نقش شکل گرفته است. رالف ترنر (۱۹۷۰) یکی از جامعه‌شناسان نظریه نقش در کاربست این نظریه در مطالعه خانواده به دو جریان اشاره می‌کند: (۱) چگونگی طبقه‌بندی نقش‌ها و (۲) توزیع نقش‌ها، یعنی چگونه انجام دادن بعضی از نقش‌ها و انجام ندادن بعضی دیگر. زیرا جامعه امور خاصی از نقش‌های خانوادگی چون مادری، پدری، برادری و خواهری را تعیین می‌کند. از منظر نظریه کنش متقابل اجتماعی، تصویری که کنشگران از جامعه و موقعیت خانواده دارند، به آنها کمک می‌کند تا بتوانند به انتخاب و انجام دادن نقش اقدام

کنند. اگر تصورشان این باشد که خانواده براساس قدرت پدر ساماندهی شده است، نقش‌های محول و مکتسب آنها معین می‌شود. از طرف دیگر، این نظریه بر نقش‌آفرینی افراد مرتبط با دیگران (در نظام کنشی) تأکید دارد. بدین لحاظ نقش هر یک در نظامی از نقش‌ها معنا می‌یابد. یکی از اصلی‌ترین نظریاتی که جامعه‌شناسان در تجزیه و تحلیل مسائل خانوادگی به آن توجه داشته‌اند، نظریه کارکردگرایی ساختی است. این نظریه توجه ما را به چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به وسیله ساختارها، متمرکز می‌کند. اگرچه افراد امکان انتخاب برای عمل دارند، ولی انتخاب‌ها از طریق ساختارها شکل داده می‌شوند. با فرض اینکه اقتصاد و خانواده به‌عنوان دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی هستند، رابطه زن و شوهر در ازدواج به‌طور خیلی متفاوت به موقعیت اقتصادی آنها بستگی دارد. برای مثال زنی که بیکار است در مقایسه با زنی که مشغول کار است در موقعیت متفاوتی در موقع ازدواج قرار دارد. زیرا زنان بیکار به لحاظ اقتصادی به درآمد مردانشان وابسته‌اند. از طرف دیگر، نظریه کارکردگرایی ساختاری بر ساختارهای اجتماعی و نتایج آنها در کل جامعه یا خرده‌سیستمی چون خانواده تأکید دارد. بنابراین توجه بر رابطه بین انتظام‌های ساختاری خاص نقش‌ها، هنجارها و موقعیت‌ها و نتایج این انتظامها متمرکز است. در این دیدگاه خانواده به‌عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرایندهایی دارد. اپستین و بیشاپ پیش‌فرض‌های اصلی نظریه را در مطالعه خانواده به این شرح بیان کرده‌اند:

- اعضای خانواده با هم مرتبط‌اند.
- هر عضو خانواده بدون ملاحظه اعضای دیگر قابل فهم نیست.
- کارکرد خانواده با ملاحظه درک همه اعضای خانواده ممکن است.
- ساختار و سازمان خانواده در تعیین رفتار اعضا تعیین‌کننده است.
- با تمرکز بر کلیت خانواده هم می‌توان نظم و هم تغییر را فهمید (اپستین و بیشاپ، ۱۹۸۱: ۴۴۷).

از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که برعهده دارد. براساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. علاوه بر این، نهاد خانواده تاکنون تأمین برخی از اولیه‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای اعضا از قبیل نیازهای عاطفی، تغذیه، نیازهای جنسی و حمایت و پشتیبانی را به عهده داشته است و طبیعتاً تا هنگامی که تأمین همه یا بخشی از این نیازها را به عهده داشته باشد به رغم تحولات و تغییراتی که در شکل و ساختار آن پدید می‌آید، همچنان برقرار خواهد ماند. همچنین از نظر



کارکردگرایان کارکردهای خانواده را تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه‌پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضای خانواده، تعیین جایگاه اجتماعی و حمایت عاطفی از اعضا می‌دانند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۱۴).

کارکردگرایی ضمن پذیرش پایداری نسبی برای شالوده نهاد خانواده، به نسبت دیگر رویکردهای جامعه‌شناختی، بیشترین امکان دگرگونی را برای این نهاد برحسب نحوه ادای وظیفه (کارکرد) های واگذار شده قائل است. از آنجا که نمی‌توان تصور کرد که مثلاً کارکرد اجتماعی کردن اولیه فرزندان یعنی آماده‌سازی آنان برای حضور فعال و بهنجار در جامعه و انجام وظایف محول، همواره و در همه جوامع به یک نحوه و شکل قابل انجام بوده است، می‌توان پذیرفت که در هر دوره یا در هر جامعه خاص متناسب با این وظیفه یا سایر نقشها و کارکردهایی که جامعه برحسب نیازهای خود به خانواده محول می‌کند، خانواده نیز ضمن ثبات و پایداری شالوده‌های آن، از لحاظ شکلی و وظیفه، وضعیت و جهت‌گیری خاصی می‌یابد که آن را از دوره‌ی زمانی یا جامعه دیگر متمایز می‌سازد.

بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی زمانی که طلاق در یک منطقه وجود دارد در صورت عدم کنترل به موقع، در بین افراد یاد گرفته می‌شود مثلاً هنگامی که کودکان در خانواده خود شاهد طلاق پدر و مادر خود هستند در آینده با احتمال بیشتر به طلاق اقدام می‌کنند یا اینکه وقتی طلاق به میزان زیادی مشاهده می‌شود از قبح آن کاسته می‌شود و روزه‌روز چشم‌گیرتر می‌شود. با توجه به رشد روز افزون طلاق در ایران و یافتن یک ارتباط معنادار بین والدین مطلقه و سرنوشت فرزندان آن در آینده می‌توان به اهمیت برد شناختی این تئوری در ایران پی برد (ولد و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

طبق نظریه کنترل طلاق زمانی شکل می‌گیرد که نهادها و پیوندهای کنترل‌آور جامعه دیگر از توان کافی برخوردار نباشند. این دیدگاه معتقد است انسان‌ها موجوداتی عقلانی هستند که در جهت حداکثر ساختن منافع خود عمل می‌کنند مگر اینکه از طریق کنترل اجتماعی توان این کار از آن‌ها سلب شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲۰). بروس کوئن معتقد است این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است. این وضعیت از جامعه و ارزش‌های متغیر ما سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی آن هم در یک محیط زناشویی ننگ

نیست (کوئن، ۱۳۷۰:۱۳۳). اودری<sup>۱</sup> کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به‌عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و ایبندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (9-456:1971.udri). متأسفانه امروزه در کشورهای اسلامی نیز با تحولات اجتماعی و اقتصادی سده اخیر، ایمان مذهبی به سستی گراییده است و مردمان با نادیده گرفتن موانعی که از لحاظ شرعی برای افزایش طلاق وجود دارد، از اختیار خود سوءاستفاده می‌نمایند و آمار طلاق رو به فزونی است (عراقی، ۱۳۶۹:۲۲).

بر اساس تئوری همسان همسری بخش قابل توجهی از طلاق‌ها به‌خاطر پدیده‌ی ناهمسان همسری است یعنی فرض بر این است اگر زوجین طرف مقابل خود را طوری انتخاب نمایند که از لحاظ میزان هوش، ویژگی‌های جسمانی و فیزیکی و به ویژه ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله فرهنگ، مذهب و میزان درآمد با هم تفاوت داشته باشند طلاق بیشتر به وقوع می‌پیوندد (ساروخانی، ۱۳۷۶). بنابراین به درستی می‌توان گفت که هر قدر فاصله‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد، احتمالاً بیشتر در معرض تهدید طلاق قرار می‌گیرند، بدون آنکه یقیناً چنین باشد زیرا پدیده‌ی پدیدهای همچون طلاق مستلزم افزوده شدن عوامل دیگری نیز می‌باشد (همان: ۱۳۱-۱۳۲).

بر اساس تئوری جامعه در حال گذار، به دلیل اینکه ایران کشوری در حال گذار است و بیشتر کنش‌های کنشگران در تعارض بین سنت و مدرنیته قرار گرفته است از طرفی مرد با ساختارهای فکر سنتی تمایل به تسلط و کنترل خانواده را دارد و از طرفی دیگر با رشد آگاهی زنان و شکل‌گیری جنبش‌های فکری مبنی بر تساوی حقوق زن و مرد در دنیا و به تبع آن در ایران؛ زنان خواستار دارا بودن نقشی مساوی در زندگی مشترک و آینده هستند و بنابراین بین زن و مرد تضاد شکل می‌گیرد و طلاق به وقوع می‌پیوندد با نگاهی به این نکته که ۸۰ درصد طلاق‌ها در ایران از جانب زنان در خواست می‌شود و از طرفی میزان طلاق در طبقات متوسط جامعه که زنان آگاهی بیشتری نسبت به زنان سایر طبقات دارند صحت تئوری یادگیری را تا حدودی اثبات می‌کند (همان: ۱۳۷۶).

بر اساس تئوری نابسامانی اجتماعی (آنومی) در شرایطی که جامعه دچار هرج و مرج اجتماعی می‌شود بین ارزش‌های اجتماعی تضاد حاصل می‌شود و یا اینکه ارزش‌ها در حال گرگونی هستند و نظم اجتماعی از بین می‌رود. اگر به زودی نظم اجتماعی شکل نگیرد و ارزش-

1. Udry

های نوین جایگزین نشوند مشکلات بزرگ و کوچک اجتماعی دامن‌گیر افراد و جامعه خواهند شد. طلاق نیز به مثابه‌ی یک مسأله‌ی اجتماعی کلان در چنین شرایطی بروز می‌کند (همان: ۱۲۸). در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پایبندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌هاست. در این مرحله برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع و موضع می‌دهند. بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده نمود. ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند، در این احوال کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی، ۱۳۷۴: ۲۸۱).

بر اساس نظریه بحران وجدان جمعی، وجدان جمعی یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های تحقق اهداف و ارزش‌های جامعه است. شخص یا اشخاص می‌توانند هنجارهای جامعه را تحقیر کنند، اما در برابر وجدان جمعی جز اطاعت راهی ندارند. به اعتقاد دورکیم هر چقدر وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادثتر است. با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش می‌یابد و جامعه مطلقه‌ها را به‌عنوان مطرودین اجتماعی تلقی نمی‌کند و بدین ترتیب بر میزان طلاق افزوده می‌شود. به‌عبارت دیگر جامعه‌ای که طلاق را پدیده‌ای عادی و طبیعی می‌داند، رواج آن را نیز موجب خواهد شد، بر عکس آنجا که طلاق منفور، زشت و ضدارزش محسوب می‌شود، خواه ناخواه از کمیت آن کاسته می‌شود. طلاق و تعدد آن در جامعه کنونی نوعی تساهل را نسبت به آن ایجاد می‌کند که از قبیح آن می‌کاهد و به تبع آن، انسان‌ها در برخورد با اولین مشکل به طلاق می‌اندیشند. از سوی دیگر در قرن حاضر این گرایش وجود دارد که طلاق را بیش از آنکه پدیده‌ای اجتماعی بدانند، آن را امری حقوقی تلقی کنند، این نگرش می‌تواند موجب افزایش آمار طلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲).

بر اساس رویکرد مشکلات اقتصادی، دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده‌ها دارد، از جمله آنها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی‌باشد، زندگی زناشویی آنها را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها بیشتر تعامل منفی دارند (conger, 1900:646).

بر اساس نظریه توزیع قدرت، گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هر یک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش، از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی و ... قصد تسلط بر دیگری را دارد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش داده و در نهایت منجر به جدایی و طلاق آنها می‌شود. در چند دهه‌ی اخیر با تغییرات اجتماعی و تقابل سنت و مدرنیته، درخواست نفوذ و کنترل هر یک از زوجین بر سرنوشت خود و خانواده افزایش یافته و این وضعیت یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اختلاف و جدل در خانواده بوده است. از یک سو آشنایی بانوان با جایگاه حقوقی خویش، کسب استقلال اقتصادی، درخواست دخالت در امور خانواده و توزیع مساوی قدرت (البته در برخی موارد جهت تغییر قدرت به سمت قدرت زنانه بوده است) و از سوی دیگر عدم پذیرش و درک مردان از شرایط جدید و ناآگاهی آنها از حقوق و تکالیف متقابل زوجین، موجب اختلافات و تعارضات شدید در خانواده شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۷).

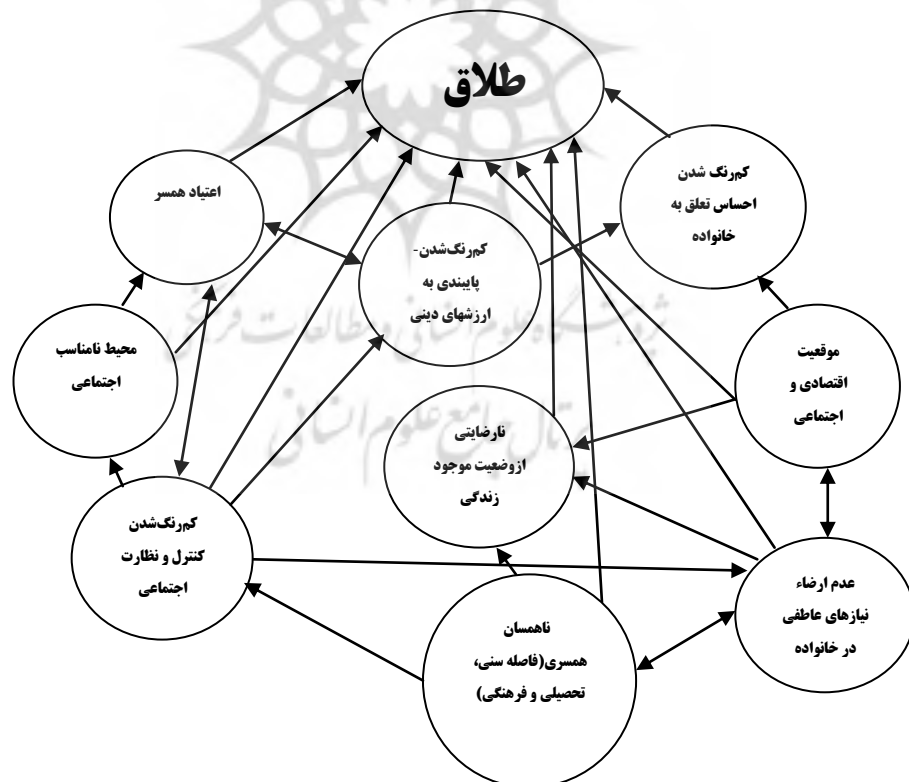
بر اساس نظریه نیاز- انتظار هر موقعیتی هنجارهایی دارد که صاحب آن موقعیت، باید بر اساس آن عمل کند و افرادی که با وی درکنش متقابل هستند، از او انتظار دارند بر اساس هنجارهای آن موقعیت عمل کند. «انتظار» معیاری برای ارزیابی فردی است که دارای موقعیت معینی می‌باشد. در واقع فرد باید در آن موقعیت وظایفی را انجام دهد تا مناسب موقعیت مورد نظر باشد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۶۵: ۲۶). عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین خواسته‌ها می‌باشد. هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی در مورد اینکه همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان خواهند شد. ازکمپ معتقد است که احساس رضایت با نحوه انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود، در حالی که نارضایتی معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است (ازکمپ، ۱۳۶۹: ۲۶۰). ابراهام مازلو معتقد است در ابتدای هرم نیازها نیازهای فیزیولوژیکی شامل نیاز به غذا، تنفس و سکس قرار دارند و تا زمانی این نیازها برآورده نشوند سایر نیازها نیز برآورده نخواهند شد. یکی از نیازهای که تأکید زیادی بر روی آن شده است نیازهای جنسی است (سیف، ۱۳۸۱).

در مجموع سه دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی مرتبط با طلاق در تحقیقات داخلی و خارجی سه دهه اخیر در زمینه طلاق بازنشاسی شد. در سطح اجتماعی، «سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین» به‌عنوان رایج‌ترین عامل مؤثر بر ازدواج مورد اشاره بوده است. پس از مورد سن و تفاوت سنی، از بین عوامل طلاق می‌توان به «سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین» اشاره کرد. همچنین در تحقیقات مرور شده تأثیر «عوامل و مسائل خانوادگی» در

طلاق تأیید شده است. و نهایتاً در تحقیقات به رابطه «سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم» با طلاق اشاره شده است. در سطح اقتصادی، «مشکلات مالی و اقتصادی» در حدود ۱۰ درصد تحقیقات داخلی مورد اشاره قرار داشت. در سطح روانشناختی نیز، «اختلالات روانی» و «ضعف در مهارت-های رفتاری و شخصیتی» به عنوان عوامل مؤثر بر طلاق در حدود ۷ درصد از تحقیقات داخلی بوده است.

با توجه به مباحث نظری مطرح شده عوامل مؤثر بر پدیده طلاق دارای ابعاد روانشناختی و جامعه‌شناختی می‌باشند و از این رو در مدل مفهومی زیر به متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود و نتایج نشان می‌دهد که با توجه به مدل نظری تحقیق می‌توان گفت که تمامی عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار بر روی پدیده طلاق با همدیگر در تعامل می‌باشند و بصورت سیستمی عمل می‌کنند و عدم توجه به هر یک از مسائل تربیتی و عاطفی و ... با توجه به حکم خود باعث می‌شود که طلاق در جامعه افزایش یابد. بطور خلاصه می‌توان مدل روابط بین متغیرها را به شکل زیر بیان کرد.

مدل شماره ۱- مدل مفهومی تحقیق



### فرضیه‌های تحقیق

با توجه به اهداف و چهارچوب تئوریک تحقیق می‌توان فرضیات زیر را مطرح نمود:  
 فرضیه اول: میزان امنیت اقتصادی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.  
 فرضیه دوم: میزان رضایت از زندگی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.  
 فرضیه سوم: میزان ارضای نیازهای عاطفی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.  
 فرضیه چهارم: میزان احساس تعلق به خانواده در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.

فرضیه پنجم: میزان پایبندی دینی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.  
 فرضیه ششم: میزان تأثیر پذیری از گروه دوستان در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.

فرضیه هفتم: میزان همسان همسری در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.  
 فرضیه هشتم: میزان تفاهم زناشویی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی، از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و از حیث اجرا جهت آزمون فرضیات، پیمایشی می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی - مقایسه‌ای می‌باشد که در آن به توصیف شرایط و بیان روابط بین متغیرها پرداخته خواهد شد و در ضمن تحقیق دارای جنبه مقایسه‌ای هم می‌باشد که در آن به مقایسه وضعیت دو گروه جوانان طلاق گرفته (به‌عنوان گروه تجربی) و جوانان طلاق نگرفته (به‌عنوان گروه گواه) پرداخته شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات تلفیقی از روش اسنادی و پیمایشی است. بر این اساس، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، بخش میدانی از نوع پرسشنامه و مصاحبه بود. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه افراد متأهل بین گروه سنی ۱۵ تا ۳۴ سال ساکن در نقاط شهری بوشهر در سال ۱۳۹۰ می‌باشد که در دو گروه افراد طلاق گرفته و افراد طلاق نگرفته دسته‌بندی گردید که در مجموع ۱۱۸۳۶۴ نفر می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از این رو گروه هدف خاص جزو افرادی می‌شود که در سه سال اول ازدواج طلاق گرفته‌اند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حدود ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای می‌باشد. همچنین در این پژوهش از اعتبار صوری و اعتبار تجربی استفاده شده است و جهت پایایی ابزارهای اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ که از عمومیت بیشتری برخوردار است استفاده شده است.

جدول شماره ۲: میزان آلفای به دست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق

| شاخص                  | ضریب آلفای کرونباخ |
|-----------------------|--------------------|
| امنیت اقتصادی         | ۰.۷۱۲              |
| رضایت از زندگی        | ۰.۷۵۶              |
| ارضای نیازهای عاطفی   | ۰.۷۳۱              |
| احساس تعلق به خانواده | ۰.۷۱۰              |
| پایبندی دینی          | ۰.۷۴۹              |
| گروه دوستان           | ۰.۷۰۵              |
| همسان همسری           | ۰.۷۰۰              |
| تفاهم زناشویی         | ۰.۷۳۴              |
| اعتماد زناشویی        | ۰.۷۸۲              |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

### یافته‌های تحقیق

#### ویژگی‌های دموگرافیک

بر اساس یافته‌ها بیشتر پاسخگویان متأهل (۵۹/۵ درصد) و بیشتر پاسخگویان طلاق گرفته (۵۸/۵ درصد) در رده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار دارند. مقایسه میانگین سن ازدواج نیز در دو گروه نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان متأهل (۲۷.۵۵) پائین‌تر از میانگین سن ازدواج در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۲۸.۰۵) می‌باشد، همچنین پراکندگی سن ازدواج در بین پاسخگویان طلاق گرفته بیشتر از پاسخگویان متأهل است. بر اساس یافته‌ها ۲۵ درصد از پاسخگویان متأهل دارای تحصیلات سیکل و کمتر از آن، ۴۴ درصد دیپلم و ۳۱ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بیشتر از آن می‌باشند. همچنین اکثریت پاسخگویان (۴۷ درصد) تحصیلات همسرشان دیپلم می‌باشد. همچنین در بین افراد مطلقه ۱۶.۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات سیکل و کمتر از آن، ۴۵.۵ درصد دیپلم و ۳۸ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بیشتر از آن می‌باشند. همچنین اکثریت پاسخگویان (۴۳ درصد) تحصیلات همسرشان لیسانس بوده است.

۱. لازم به توضیح می‌باشد که چون جوانان به دو دسته طلاق گرفته در سه سال اول زندگی و طلاق نگرفته تقسیم می‌شوند. از این رو در کل بخش یافته از جوانان طلاق نگرفته به‌عنوان متأهل و طلاق گرفته با همان اسم ذکر گردیده است.

از نظر متغیر درآمد ۹.۵ درصد از پاسخگویان متأهل دارای درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۶۶ درصد بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۲۴.۵ درصد دارای درآمد بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان می‌باشد. در بین پاسخگویان طلاق گرفته نیز یافته‌ها حاکی از این است که ۶.۵ درصد از پاسخگویان دارای درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، ۶۷.۵ درصد بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۲۶ درصد دارای درآمد بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان می‌باشد. از نظر مدت زمان زندگی مشترک یافته‌ها نشان داد که ۲۶ درصد از پاسخگویان متأهل ۱ سال، ۴۲ درصد ۲ سال و ۳۲ درصد ۳ سال و بیشتر است که زندگی مشترک را تجربه کرده‌اند. همچنین در بین طلاق گرفته‌ها نیز ۲۴.۵ درصد از پاسخگویان ۱ سال، ۴۴.۵ درصد ۲ سال و ۳۱ درصد ۳ سال و بیشتر است که زندگی مشترک داشته‌اند. همچنین در خصوص مدت زمان جدایی از هم، یافته‌ها گویای این مطلب است که ۶۰.۵ درصد از پاسخگویان ۱ سال، ۲۳.۵ درصد ۲ سال و ۱۶ درصد ۳ سال و بیشتر است که از یکدیگر جدا شده‌اند. در مورد سابقه طلاق، داشتن نسبت فامیلی و داشتن بیماری خاص مؤثر در جدایی یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویانی که نسبت فامیلی باهم دارند، نرخ طلاق بین آنها کمتر است و در بین افراد طلاق گرفته فقط ۲۱ درصد از پاسخگویان ابراز داشته‌اند که به خاطر داشتن بیماری خاص از همسرشان جدا شده‌اند. همچنین ۳۲.۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که سابقه طلاق در خانواده در بین پدر و مادرشان وجود داشته است و ۲۳.۵ درصد نیز ابراز داشته‌اند که سابقه طلاق در خانواده آنها در بین خواهر و برادر آنها وجود داشته است.

### بررسی شاخص‌های اصلی تحقیق<sup>۱</sup>

در این مبحث به بررسی وضعیت پاسخگویان در ارتباط با هر یک از شاخص‌ها و ابعاد تحقیق یعنی "امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، گروه دوستان، همسان همسری، اعتماد و تفاهم" پرداخته شده است. لازم به توضیح است که برای ساختن هر یک از شاخص‌ها ابتدا با استفاده از دستور Compute گویه‌ها با یکدیگر ترکیب شدند و سپس با استفاده از دستور Recode به منظور سهولت در تحلیل و تفسیر نتایج، دامنه مربوط به شاخص‌ها به سه دسته کم، تاحدی و زیاد تقسیم شد.

---

1. ????



### بررسی سنجش امنیت اقتصادی

متأهل: داده‌های جدول ذیل گویای این مطلب است که امنیت اقتصادی ۱۵.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۴.۵ درصد در حد متوسط و ۲۰ درصد از پاسخگویان نیز در حد زیاد است.

طلاق گرفته: در بین افراد مطلقه نیز ۲۷.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۵۶.۵ درصد تا حدی و ۱۶ درصد نیز در حد زیاد از امنیت اقتصادی برخوردارند.

مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از امنیت اقتصادی برخوردارند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب امنیت اقتصادی به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | امنیت اقتصادی  |
|------------------------|--|------------------------|--|----------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                |
| ۲۷.۵                   | ۵۵                                     | ۱۵.۵                   | ۳۱                                     | کم             |
| ۵۶.۵                   | ۱۱۳                                    | ۶۴.۵                   | ۱۲۹                                    | تاحدی          |
| ۱۶                     | ۳۲                                     | ۲۰                     | ۴۰                                     | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل         |
| ۴=مینیمم<br>۲۰=ماکزیمم | ۱۱.۴۴=میانگین<br>۳.۴۸=انحراف استاندارد | ۴=مینیمم<br>۲۰=ماکزیمم | ۱۲.۳۳=میانگین<br>۳.۴۲=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

### بررسی سنجش رضایت از زندگی

متأهل: بر اساس داده‌های جدول زیر ۴ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۴ درصد تا حدی و ۲۲ درصد نیز در حد زیاد اظهار داشته‌اند که از زندگی خود رضایت دارند.

طلاق گرفته: یافته‌های جدول زیر حاکی از این است که ۱۱.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۸۱ درصد تا حدی و ۷.۵ درصد نیز در حد زیاد از زندگی خود رضایت دارند.

مقایسه دو گروه: بر اساس یافته‌ها پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از زندگی خود احساس رضایت می‌کنند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رضایت از زندگی به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | رضایت از زندگی |
|------------------------|--|------------------------|--|----------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                |
| ۱۱.۵                   | ۲۳                                     | ۴                      | ۸                                      | کم             |
| ۸۱                     | ۱۶۲                                    | ۷۴                     | ۱۴۸                                    | تاحدی          |
| ۷.۵                    | ۱۵                                     | ۲۲                     | ۴۴                                     | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل         |
| ۵=مینیمم<br>۲۵=ماکزیمم | ۱۴.۸۰=میانگین<br>۳.۰۸=انحراف استاندارد | ۵=مینیمم<br>۲۵=ماکزیمم | ۱۶.۲۶=میانگین<br>۳.۰۳=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

#### بررسی سنجش ارضای نیازهای عاطفی

متأهل: داده‌های جدول ذیل نشان می‌دهد که ۵.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷.۵ درصد تا حدی و ۱۹.۵ درصد نیز در حد زیاد اظهار داشته‌اند که نیازهای عاطفی آنها ارضا شده است. طلاق گرفته: بر اساس یافته‌های جدول زیر ۷ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۸۳ درصد تا حدی و ۱۰ درصد نیز در حد زیاد اظهار داشته‌اند که نیازهای عاطفی آنها ارضا شده است. مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از ارضای نیازهای عاطفی‌شان احساس رضایت دارند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارضای نیازهای عاطفی به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | ارضای نیازهای عاطفی |
|------------------------|--|------------------------|--|---------------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                     |
| ۷                      | ۱۴                                     | ۵.۵                    | ۱۱                                     | کم                  |
| ۸۳                     | ۱۶۶                                    | ۷۵                     | ۱۵۰                                    | تاحدی               |
| ۱۰                     | ۲۰                                     | ۱۹.۵                   | ۳۹                                     | زیاد                |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل              |
| ۷=مینیمم<br>۳۵=ماکزیمم | ۲۱.۲۵=میانگین<br>۴.۰۶=انحراف استاندارد | ۷=مینیمم<br>۳۵=ماکزیمم | ۲۱.۷۱=میانگین<br>۳.۶۳=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری      |

### بررسی سنجش احساس تعلق به خانواده

متأهل: همچنانکه داده‌ها نشان می‌دهد ۱۷.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۵ درصد تا حدی و ۱۷.۵ درصد نیز در حد زیاد به خانواده خود احساس تعلق می‌کنند. طلاق گرفته: بر اساس یافته‌ها ۱۶.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۷.۵ درصد تا حدی و ۱۶ درصد نیز در حد زیاد اظهار داشته‌اند که به خانواده خود احساس تعلق می‌کنند. مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته به خانواده خود احساس تعلق می‌کنند.

### جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب احساس تعلق به خانواده به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |                                       | متأهل                  |                                       | احساس تعلق به خانواده |
|------------------------|---------------------------------------|------------------------|---------------------------------------|-----------------------|
| درصد                   | فراوانی                               | درصد                   | فراوانی                               |                       |
| ۱۶.۵                   | ۳۳                                    | ۱۷.۵                   | ۳۵                                    | کم                    |
| ۶۷.۵                   | ۱۳۵                                   | ۶۵                     | ۱۳۰                                   | تاحدی                 |
| ۱۶                     | ۳۲                                    | ۱۷.۵                   | ۳۵                                    | زیاد                  |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | جمع کل                |
| ۲=مینیمم<br>۱۰=ماکزیمم | ۵.۹۹=میانگین<br>۱.۵۲=انحراف استاندارد | ۲=مینیمم<br>۱۰=ماکزیمم | ۶.۰۱=میانگین<br>۱.۷۶=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری        |

### بررسی سنجش پایبندی دینی

متأهل: بر اساس داده‌های جدول زیر ۱۹.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۴.۵ درصد تا حدی و ۱۶ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که پایبند به مسائل دینی و مذهبی می‌باشند. طلاق گرفته: یافته‌های جدول زیر حاکی از این است که ۲۱.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۲ درصد تا حدی و ۶.۵ درصد نیز در حد زیادی به مسائل دینی و مذهبی پایبند می‌باشند. مقایسه دو گروه: در مجموع بر اساس یافته‌ها پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته پایبند به مسائل دینی و مذهبی می‌باشند.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایبندی دینی به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | پایبندی دینی   |
|------------------------|--|------------------------|--|----------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                |
| ۲۱.۵                   | ۴۳                                     | ۱۹.۵                   | ۳۹                                     | کم             |
| ۷۲                     | ۱۴۴                                    | ۶۴.۵                   | ۱۲۹                                    | تاحدی          |
| ۶.۵                    | ۱۳                                     | ۱۶                     | ۳۲                                     | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل         |
| ۴=مینیمم<br>۲۰=ماکزیمم | ۱۱.۵۹=میانگین<br>۲.۸۲=انحراف استاندارد | ۴=مینیمم<br>۲۰=ماکزیمم | ۱۱.۶۳=میانگین<br>۲.۷۰=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

### بررسی سنجش تأثیر پذیری گروه دوستان

متأهل: داده‌های جدول زیر گویای این مطلب است که ۲۸ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۷.۵ درصد تا حدی و ۴.۵ درصد نیز در حد زیادی تحت تأثیر گروه دوستانشان هستند طلاق گرفته: یافته‌های جدول زیر بیانگر از این است که ۳۵.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۵۹ درصد تا حدی و ۵.۵ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که تحت تأثیر گروه دوستانشان هستند.

مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویان متأهل کمتر از پاسخگویان طلاق گرفته تحت تأثیر گروه دوستانشان هستند.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تأثیر پذیری گروه دوستان به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | تأثیر پذیری گروه دوستان |
|------------------------|--|------------------------|--|-------------------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                         |
| ۳۵.۵                   | ۷۱                                     | ۲۸                     | ۵۶                                     | کم                      |
| ۵۹                     | ۱۱۸                                    | ۶۷.۵                   | ۱۳۵                                    | تاحدی                   |
| ۵.۵                    | ۱۱                                     | ۴.۵                    | ۹                                      | زیاد                    |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل                  |
| ۵=مینیمم<br>۲۵=ماکزیمم | ۱۲.۹۰=میانگین<br>۳.۸۴=انحراف استاندارد | ۵=مینیمم<br>۲۵=ماکزیمم | ۱۲.۸۰=میانگین<br>۳.۶۷=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری          |

### بررسی سنجش همسان همسری

متأهل: بر اساس داده‌ها ۹ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۰.۵ درصد تا حدی و ۲۰.۵ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که از همسان همسری برخوردارند  
 طلاق گرفته: یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۱۴.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۲ درصد تا حدی و ۱۳.۵ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که از همسان همسری برخوردارند.  
 مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها بیانگر این است که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از همسان همسری برخوردارند.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب همسان همسری به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |                                       | متأهل                  |                                       | همسان همسری    |
|------------------------|---------------------------------------|------------------------|---------------------------------------|----------------|
| درصد                   | فراوانی                               | درصد                   | فراوانی                               |                |
| ۱۴.۵                   | ۲۹                                    | ۹                      | ۱۸                                    | کم             |
| ۷۲                     | ۱۴۴                                   | ۷۰.۵                   | ۱۴۱                                   | تاحدی          |
| ۱۳.۵                   | ۲۷                                    | ۲۰.۵                   | ۴۱                                    | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | جمع کل         |
| ۳=مینیمم<br>۱۵=ماکزیمم | ۸.۹۲=میانگین<br>۲.۳۷=انحراف استاندارد | ۳=مینیمم<br>۱۵=ماکزیمم | ۹.۴۲=میانگین<br>۲.۳۹=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

### بررسی سنجش تفاهم زناشویی

متأهل: داده‌های جدول ذیل گویای این مطلب است که ۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۵.۵ درصد تا حدی و ۱۹.۵ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که در زندگی مشترک با همسرشان دارای تفاهم می‌باشند  
 طلاق گرفته: یافته‌های جدول نشان می‌دهد که ۱۴.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۷۹.۵ درصد تا حدی و ۶ درصد نیز در حد زیادی در زندگی مشترک با همسرشان دارای تفاهم داشته‌اند.

مقایسه دو گروه: در مجموع یافته‌ها گویای این مطلب است که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته، در زندگی مشترک با همسرشان تفاهم داشته‌اند.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تفاهم زناشویی به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |  | متأهل                  |  | تفاهم زناشویی  |
|------------------------|--|------------------------|--|----------------|
| درصد                   | فراوانی                                | درصد                   | فراوانی                                |                |
| ۱۴.۵                   | ۲۹                                     | ۵                      | ۱۰                                     | کم             |
| ۷۹.۵                   | ۱۵۹                                    | ۷۵.۵                   | ۱۵۱                                    | تاحدی          |
| ۶                      | ۱۲                                     | ۱۹.۵                   | ۳۹                                     | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                    | جمع کل         |
| ۶=مینیمم<br>۳۰=ماکزیمم | ۱۷.۴۴=میانگین<br>۳.۳۷=انحراف استاندارد | ۶=مینیمم<br>۳۰=ماکزیمم | ۱۸.۱۳=میانگین<br>۲.۷۲=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

### بررسی سنجش اعتماد به همسر

متأهل: داده‌های جدول ذیل گویای این مطلب است که ۲۰.۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۵۶ درصد تا حدی و ۲۳.۵ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که به همسرشان اعتماد دارند. طلاق گرفته: بر اساس یافته‌ها ۲۳ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۱ درصد تا حدی و ۱۶ درصد نیز در حد زیادی بیان کرده‌اند که به همسرشان اعتماد داشته‌اند. مقایسه دو گروه: در مجموع بر اساس داده‌ها پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته به همسرشان اعتماد داشته‌اند.

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اعتماد به همسر به تفکیک دو گروه متأهل و طلاق گرفته

| طلاق گرفته             |                                       | متأهل                  |                                       | اعتماد به همسر |
|------------------------|---------------------------------------|------------------------|---------------------------------------|----------------|
| درصد                   | فراوانی                               | درصد                   | فراوانی                               |                |
| ۲۳                     | ۴۶                                    | ۲۰.۵                   | ۴۱                                    | کم             |
| ۶۱                     | ۱۲۲                                   | ۵۶                     | ۱۱۲                                   | تاحدی          |
| ۱۶                     | ۳۲                                    | ۲۳.۵                   | ۴۷                                    | زیاد           |
| ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | ۱۰۰                    | ۲۰۰                                   | جمع کل         |
| ۲=مینیمم<br>۱۰=ماکزیمم | ۵.۷۳=میانگین<br>۱.۶۵=انحراف استاندارد | ۲=مینیمم<br>۱۰=ماکزیمم | ۶.۰۴=میانگین<br>۱.۸۱=انحراف استاندارد | شاخص‌های آماری |

### نتایج استنباطی تحقیق

در این قسمت به کمک آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون، به بررسی رابطه بین شاخص‌های تحقیق پرداخته خواهد شد و به کمک آزمون تی مستقل به مقایسه شاخص‌های تحقیق در بین دو گروه طلاق گرفته و متأهل پرداخته شده است. از آنجایی که شرط اول برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها است، از این رو در ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌های متغیر وابسته تحقیق پرداخته می‌شود. البته لازم به ذکر است که در نهایت به کمک دستور رگرسیون لجستیک درصددیم به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق بپردازیم.

### بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای، تحقیق از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱۲: بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف

| متغیر         | امینت اقتصادی | رضایت از زندگی عاطفی | رضای نیازهای خانواده | احساس تعلق به خانواده | پایندی دینی | گروه دوستان | همسان همسری | تفاهم | اعتماد |
|---------------|---------------|----------------------|----------------------|-----------------------|-------------|-------------|-------------|-------|--------|
| Z             | ۱/۳۱۶         | ۱/۱۱۷                | ۱/۱۶۶                | ۱/۳۸۲                 | ۱/۷۱۹       | ۱/۸۷۵       | ۱/۶۷۵       | ۰/۹۸۷ | ۰/۴۵۶  |
| سطح معنی داری | ۰/۰۶۳         | ۰/۱۶۵                | ۰/۱۳۲                | ۰/۰۶۶                 | ۰/۱۲۵       | ۰/۱۲۵       | ۰/۰۷۳       | ۰/۰۵۷ | ۰/۱۲۳  |

تفسیر: در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌های مربوط به متغیر تفاوت معنی‌داری با توزیع نرمال ندارد. همان‌طور که در جدول فوق گزارش شده است. سطح معنی‌داری همه متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. پس می‌توانیم بگوییم که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها تفاوت معناداری با توزیع نرمال ندارد.

### بررسی رابطه همبستگی بین متغیرها

ضرایب همبستگی معنادار اگر در فاصله  $(\pm 0/3 - 0)$  باشد شدت رابطه ضعیف و اگر در فاصله  $(\pm 0/6 - \pm 0/3)$  باشد شدت رابطه متوسط و اگر در فاصله  $(\pm 1 - \pm 0/6)$  باشد شدت رابطه

قوی می‌باشد. لازم به ذکر است جهت رابطه را علامت ضریب همبستگی تعیین می‌کند به نحوی که اگر ضریب همبستگی بین دو متغیر مثبت باشد رابطه بین دو متغیر مستقیم و مثبت است و اگر منفی شود رابطه بین دو متغیر منفی و معکوس است. نتایج همبستگی بین متغیرها نشان داد که بین مولفه‌هایی مثل اعتماد، رضایت و امنیت، تفاهم، همسان همسری و ارضای نیازهای عاطفی رابطه مثبت برقرار است و هر چه میزان همسان همسری و پایبندی دینی بالا باشد، رضایت از زندگی و به تبع آن ارضای نیازهای عاطفی در زندگی و احساس تعلق به خانواده بالا می‌رود.

فرضیه اول: میزان امنیت اقتصادی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. بر اساس آزمون مقایسه میانگین‌ها، میانگین امنیت اقتصادی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است ( $p < 0/05$   $t = 2.589$ ). به نحوی که میانگین امنیت اقتصادی در بین متأهلین (۱۲.۳۳) بیشتر از میانگین امنیت اقتصادی در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۱۱.۴۴) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که عدم امنیت اقتصادی یکی از عوامل مؤثر در بروز طلاق می‌باشد.

جدول شماره ۱۳: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان امنیت اقتصادی

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |               |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|---------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |               |
| .۰۰۱۰                               | ۳۹۸ | ۲.۵۸۹ | .۰۳۶۶                            | .۰۸۲۰ | ۳.۴۲             | ۱۲.۳۳   | ۲۰۰   | متأهل      | امنیت اقتصادی |
|                                     |     |       |                                  |       | ۳.۴۸             | ۱۱.۴۴   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |               |

فرضیه دوم: میزان رضایت از زندگی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین رضایت از زندگی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است ( $p < 0/05$   $t = 4.771$ ). به نحوی که میانگین رضایت از زندگی در بین متأهلین (۱۶.۲۶) بیشتر از میانگین رضایت از زندگی در بین پاسخگویان طلاق



گرفته (۱۴.۸۰) می‌باشد. در مجموع این نتیجه نیز طبیعی می‌باشد، زیرا وقتی رضایت از زندگی بالا باشد، احتمال طلاق نیز پایین می‌باشد و بالعکس.

جدول شماره ۱۴: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان رضایت از زندگی

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |                |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|----------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |                |
| .۰۰۰۰                               | ۳۹۸ | ۴.۷۷۱ | .۰۵۸۶                            | ۰.۲۹۷ | ۳.۰۳             | ۱۶.۲۶   | ۲۰۰   | متأهل      | رضایت از زندگی |
|                                     |     |       |                                  |       | ۳.۰۸             | ۱۴.۸۰   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |                |

فرضیه سوم: میزان ارضای نیازهای عاطفی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. همچنان‌که جدول زیر نشان می‌دهد میانگین ارضای نیازهای عاطفی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت نیست ( $p > 0/05$   $t = 1.205$ ). البته میانگین ارضای نیازهای عاطفی در بین متأهلین (۲۱.۷۱) بیشتر از میانگین ارضای نیازهای عاطفی در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۲۱.۲۵) می‌باشد. در مجموع ارضای نیازها به‌عنوان یک پارامتر مهم در ادامه دادن به زندگی می‌باشد.

جدول شماره ۱۵: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان ارضای نیازهای عاطفی

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |                     |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|---------------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |                     |
| .۰۲۳۹                               | ۳۹۸ | ۱.۲۰۵ | .۰۱۷۷                            | ۱.۸۳۳ | ۳.۶۳             | ۲۱.۷۱   | ۲۰۰   | متأهل      | ارضای نیازهای عاطفی |
|                                     |     |       |                                  |       | ۴.۰۶             | ۲۱.۲۵   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |                     |

فرضیه چهارم: میزان احساس تعلق به خانواده در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.

نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین احساس تعلق به خانواده در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت نیست ( $p > 0/05$   $t = 0.091$ ). البته میانگین احساس تعلق به خانواده در بین متأهلین (۶.۰۱) بیشتر از میانگین احساس تعلق به خانواده در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۵.۹۹) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که لازم است که احساس تعلق به عنوان یک پارامتر مهم در ادامه دادن زوجین به زندگی مشترک می‌باشد.

جدول شماره ۱۶: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان احساس تعلق به خانواده

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |                       |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|-----------------------|
| Sig                                 | Df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |                       |
| ۰.۹۲۸                               | ۳۹۸ | ۰.۰۹۱ | ۰.۱۳۷                            | ۴.۳۷۸ | ۱.۷۶             | ۶.۰۱    | ۲۰۰   | متأهل      | احساس تعلق به خانواده |
|                                     |     |       |                                  |       | ۱.۵۲             | ۵.۹۹    | ۲۰۰   | طلاق گرفته |                       |

فرضیه پنجم: میزان پایداری دینی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. همچنان‌که آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین پایداری دینی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته چندان متفاوت است ( $p < 0/05$   $t = 0.127$ ). البته مقایسه دو میانگین نشان می‌دهد که پایداری دینی در بین متأهلین (۱۲.۶۳) تا حدودی بیشتر از میانگین پایداری دینی در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۱۱.۵۹) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که دین به عنوان یک مکانیزم مؤثر در تداوم زندگی می‌باشد و نتیجه پژوهش حاضر نیز این نتیجه را تأیید می‌کند.

جدول شماره ۱۷: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان پابندی دینی

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |             |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|-------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |             |
| ۰.۰۴۹                               | ۳۹۸ | ۰.۱۲۷ | ۰.۴۰۸                            | ۰.۸۶۶ | ۲.۷۰             | ۱۲.۶۳   | ۲۰۰   | متأهل      | پابندی دینی |
|                                     |     |       |                                  |       | ۲.۸۲             | ۱۱.۵۹   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |             |

فرضیه ششم: میزان تأثیر پذیری از گروه دوستان در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است.

نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین تأثیر پذیری از گروه دوستان در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت نیست ( $p > 0/05$   $t = -0.093$ ). البته میانگین تأثیر پذیری از گروه دوستان در بین متأهلین (۱۲.۸۷) کمتر از میانگین تأثیر پذیری از گروه دوستان در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۱۲.۹۰) می‌باشد. از این رو لازم است که افراد در مورد زندگی مشترک، خود به تصمیم برسند، زیرا شرایط زندگی افراد با یکدیگر تفاوت دارد و هر دو زوج باید مشترکاً و با توجه به شرایط زندگی خود به تصمیم برسند.

جدول شماره ۱۸: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان تأثیر پذیری از دوستان

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |        | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |                            |
|-------------------------------------|-----|--------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|----------------------------|
| Sig                                 | df  | t      | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |                            |
| ۰.۹۲۶                               | ۳۹۸ | -۰.۰۹۳ | ۰.۱۹۰                            | ۱.۷۲۰ | ۳.۶۷             | ۱۲.۸۷   | ۲۰۰   | متأهل      | تأثیر پذیری از گروه دوستان |
|                                     |     |        |                                  |       | ۳.۸۴             | ۱۲.۹۰   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |                            |

فرضیه هفتم: میزان همسان همسری در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. بر اساس جدول زیر میانگین همسان همسری در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است ( $t=2.116$   $p<0/05$ ). به نحوی که میانگین همسان همسری در بین متأهلین (۹.۴۲) بیشتر از میانگین همسان همسری در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۸.۹۲) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که لازم است زوجین در ابتدا باید به پارامتر همسان همسری از نظر فرهنگی (قومیتی، مذهبی و...) و اقتصادی توجه داشته باشند.

جدول شماره ۱۹: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان

همسان همسری

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |             |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|-------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |             |
| ۰.۰۳۵                               | ۳۹۸ | ۲.۱۱۶ | ۰.۶۶۶                            | ۰.۱۸۶ | ۲.۳۹             | ۹.۴۲    | ۲۰۰   | متأهل      | همسان همسری |
|                                     |     |       |                                  |       | ۲.۳۷             | ۸.۹۲    | ۲۰۰   | طلاق گرفته |             |

فرضیه هشتم: میزان تفاهم زناشویی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. بر اساس نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌ها، میانگین تفاهم زناشویی در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است ( $t=2.249$   $p<0/05$ ). به نحوی که میانگین تفاهم زناشویی در بین متأهلین (۱۸.۱۳) بیشتر از میانگین تفاهم زناشویی در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۱۷.۴۴) می‌باشد. لذا در این خصوص لازم است که سازمان‌های فرهنگی، از جمله صداوسیما استانی با اجرای برنامه‌ها و میزگردهای کارشناسی در بالابردن میزان اشتراکات، تفاهمات و کنار گذاشتن مسائل جزئی و روزمره تلاش داشته باشند.

جدول شماره ۲۰: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان تفاهم زناشویی

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |        | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |               |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|--------|------------------|---------|-------|------------|---------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f      | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |               |
| ۰.۰۲۵                               | ۳۹۸ | ۲.۲۴۹ | ۰.۱۲۱                            | ۱۳.۲۶۹ | ۲.۷۲             | ۱۸.۱۳   | ۲۰۰   | متأهل      | تفاهم زناشویی |
|                                     |     |       |                                  |        | ۳.۳۷             | ۱۷.۴۴   | ۲۰۰   | طلاق گرفته |               |

فرضیه نهم: میزان اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. بر اساس یافته‌های جدول زیر میانگین اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت نیست ( $t=1.814$   $p>0/05$ ). البته میانگین اعتماد به همسر در بین متأهلین (۶.۰۴) بیشتر از میانگین اعتماد به همسر در بین پاسخگویان طلاق گرفته (۵.۷۳) می‌باشد. لازم به توضیح می‌باشد که اعتماد به عنوان یک سرمایه اجتماعی مهم در زندگی می‌باشد و از این رو لازم است که در ایجاد و حفظ آن تلاش به عمل آید.

جدول شماره ۲۱: آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی تفاوت دو گروه متأهل و طلاق گرفته از نظر میزان اعتماد به همسر

| آزمون تی تست برای برابری میانگین‌ها |     |       | آزمون لوین برای تجانس واریانس‌ها |       | آماره‌های توصیفی |         |       | گروه       |                |
|-------------------------------------|-----|-------|----------------------------------|-------|------------------|---------|-------|------------|----------------|
| Sig                                 | df  | t     | Sig                              | f     | انحراف معیار     | میانگین | تعداد |            |                |
| ۰.۰۷۰                               | ۳۹۸ | ۱.۸۱۴ | ۰.۳۴۷                            | ۰.۸۸۶ | ۱.۸۱             | ۶.۰۴    | ۲۰۰   | متأهل      | اعتماد به همسر |
|                                     |     |       |                                  |       | ۱.۶۵             | ۵.۷۳    | ۲۰۰   | طلاق گرفته |                |

بررسی رگرسیون لجستیک در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق در بوشهر در این پژوهش از آنجا که متغیر وابسته دو گروه متأهل و طلاق گرفته می‌باشند، با استفاده از رگرسیون لجستیک درصدد برآمدیم تا عوامل مؤثر بر متغیر وابسته را شناسایی کنیم. در این مدل رگرسیونی، امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به

خانواده، پایبندی دینی، تأثیرپذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم بین زوجین و میزان اعتماد بین زوجین به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند. هدف از آزمون رگرسیون لجستیک در این تحقیق:

۱- میزان توانایی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر ملاک و بررسی معناداری آن.

۲- بررسی ضرایب رگرسیونی تفکیکی هر یک از متغیرهای تحقیق در پیش‌بینی متغیر ملاک.

جدول ۲۲: نتایج شاخص‌های برازش مدل

| سطح معناداری (sig) | درجه آزادی (df) | Chi square |                     |
|--------------------|-----------------|------------|---------------------|
| ۰.۰۰۱              | ۹               | ۳۹.۴۶۸     | Omnibus             |
| ۰.۰۳۸              | ۸               | ۲۶.۳۵۷     | Hosmer and Lemeshow |

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان ملاحظه نمود که آزمون اوم نی بوس<sup>۱</sup> برازش مدل و قدرت تبیین و کارایی آن را تایید می‌کند ( $p < 0/05$   $x^2 = 39.468$ ). در ضمن نتایج آزمون هوسمر و لمشو<sup>۲</sup> برازش میزان پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته معنادار است ( $x^2 = 26.357$   $p < 0/05$ ). بدین معنی که مدل تحقیق مناسب بوده و از برازش لازم برخوردار است. یعنی متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی نسبت بالایی از تغییرات متغیر وابسته هستند.

جدول شماره ۲۴: بررسی تفکیکی معناداری ضرایب پیش‌بینی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر ملاک

| نسبت بخت (EXP) | سطح معناداری (Sig) | درجه آزادی (df) | آماره والد (Wald) | خطای استاندارد (S.E) | مقدار تأثیر (B) | منبع تغییرات              |
|----------------|--------------------|-----------------|-------------------|----------------------|-----------------|---------------------------|
| ۳۵.۹۹۶         | ۰.۰۰۰              | ۱               | ۱۲.۸۲۱            | ۱.۰۰۱                | ۳.۵۸۳           | مقدار ثابت                |
| ۰.۹۱۲          | ۰.۰۰۳              | ۱               | ۸.۵۳۳             | ۰.۰۳۲                | -۰.۰۹۲          | امنیت اقتصادی             |
| ۰.۸۳۴          | ۰.۰۰۰              | ۱               | ۱۹.۵۵۳            | ۰.۰۴۱                | -۰.۱۸۲          | رضایت از زندگی            |
| ۱.۰۳۵          | ۰.۲۷۹              | ۱               | ۱.۱۷۳             | ۰.۰۳۱                | ۰.۰۳۴           | ارضای نیازهای عاطفی       |
| ۱.۱۱۲          | ۰.۱۱۹              | ۱               | ۲.۴۳۳             | ۰.۰۶۸                | ۰.۱۰۷           | احساس تعلق به خانواده     |
| ۱.۰۷۱          | ۰.۱۰۴              | ۱               | ۲.۶۴۵             | ۰.۰۴۲                | ۰.۰۶۹           | پایبندی دینی              |
| ۱.۰۰۴          | ۰.۸۹۴              | ۱               | ۰.۰۱۸             | ۰.۰۳۰                | ۰.۰۰۴           | تأثیرپذیری از گروه دوستان |
| ۰.۹۰۸          | ۰.۰۵۰              | ۱               | ۳.۸۱۲             | ۰.۰۴۹                | -۰.۰۹۶          | همسان همسری               |
| ۰.۹۶۳          | ۰.۳۲۷              | ۱               | ۰.۹۶۳             | ۰.۰۳۹                | -۰.۰۳۸          | تفاهم                     |
| ۰.۹۴۷          | ۰.۳۹۲              | ۱               | ۰.۷۳۱             | ۰.۰۶۴                | -۰.۵۵           | اعتماد                    |

1. Omnibus

2. Hosmer and Lemeshow

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لوجستیک می‌توان گفت: متغیرهای امنیت اقتصادی (۰.۹۱۲)، رضایت از زندگی (۰.۸۳۴) و همسان‌همسری (۰.۹۰۸) دارای ضرایب معنادار در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ هستند و این متغیرها قادر به پیش‌بینی متغیر ملاک هستند که بر اساس اهمیت می‌توان آنها را چنین اولویت‌بندی نمود:

۱- همسان‌همسری ۲- امنیت اقتصادی ۳- رضایت از زندگی

در ضمن در نسبت بخت‌ها عدد کمتر از یک نشان دهنده تأثیر معکوس و عدد بالای یک نشان دهنده تأثیر مثبت (مستقیم) می‌باشد.

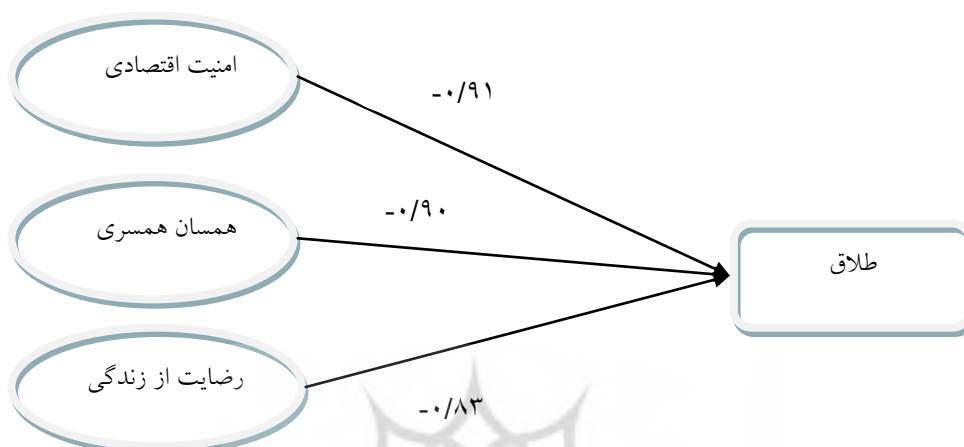
جدول شماره ۲۵: طبقه‌بندی متغیر وابسته برحسب میزان پیش‌بینی واریانس آن

| پیش‌بینی شده       |            | مشاهده شده |            |            |
|--------------------|------------|------------|------------|------------|
| درصد پیش‌بینی صحیح | وضعیت تأهل |            | متاهل      | وضعیت تأهل |
|                    | طلاق گرفته | متاهل      |            |            |
| ۶۲                 | ۷۶         | ۱۳۴        | متاهل      | کل         |
| ۶۱                 | ۱۲۲        | ۷۸         | طلاق گرفته |            |
| ۶۱.۵               |            |            |            |            |

بر اساس نتایج جدول فوق می‌توان ملاحظه نمود که مدل حاضر ۶۱.۵ درصد از آزمودنی‌ها را به درستی طبقه‌بندی کرده است. بارت دیگر با اطمینان ۶۱.۵ درصد می‌توانیم بگوییم با استفاده از مجموع سه متغیر پیش‌بین قادریم تغییرات مربوط به میزان گرایش به طلاق را تبیین کنیم و سه عمل مذکور را به‌عنوان وجه ممیزه در بین دو گروه و ایجاد طلاق بدانیم. از این رو لازم است که نتیجه را در قالب نمودار زیر نمایش داد:

پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۲: شناسایی سه عامل مؤثر بر طلاق (عوامل کاهشنده مهم)



بدین ترتیب با توجه به مقایسه وضعیت دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته با استفاده از رگرسیون لجستیک می‌توان گفت که هر چه میزان امنیت اقتصادی، همسان همسری و رضایت از زندگی بالا رود میزان طلاق کاهش می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر پرداخته است. یافته‌های این تحقیق از دو بخش توصیفی و استنباطی تشکیل گردیده که در بخش توصیفی مهم‌ترین یافته‌ها به شرح ذیل می‌باشد: از نظر سابقه طلاق، داشتن نسبت فامیلی و داشتن بیماری خاص مؤثر در جدایی، یافته‌ها گویای این مطلب بود که پاسخگویانی که نسبت فامیلی باهم دارند، نرخ طلاق در بین آنها کمتر است و در بین افراد طلاق گرفته فقط ۲۱ درصد از پاسخگویان ابراز داشته‌اند که به خاطر داشتن بیماری خاص از همسرشان جدا شده‌اند. همچنین ۳۲.۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که سابقه طلاق در خانواده در بین پدر و مادرشان وجود داشته است و ۲۳.۵ درصد نیز ابراز داشته‌اند که سابقه طلاق در خانواده آنها در بین خواهر و برادر آنها وجود داشته است. از دیگر یافته‌های تحقیق مقایسه افراد متأهل و طلاق گرفته در زمینه شاخص‌های مورد مطالعه تحقیق می‌باشد که مهم‌ترین نتایج به شرح زیر است:



در مقایسه دو گروه از لحاظ امنیت اقتصادی به این نتیجه رسیدیم که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از امنیت اقتصادی برخوردارند. از نظر رضایت از زندگی، پاسخگویان متأهل بیشتر از مطلقه‌ها از زندگی خود احساس رضایت می‌کنند. از لحاظ ارضای نیازهای عاطفی یافته‌ها نشان می‌دهد که پاسخگویان متأهل بیشتر از طلاق گرفته‌ها از ارضای نیازهای عاطفی‌شان احساس رضایت دارند. از بُعد احساس تعلق به خانواده به این نتیجه رسیدیم که پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان مطلقه به خانواده خود احساس تعلق می‌کنند. در زمینه پایبندی دینی پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته به مسائل دینی و مذهبی پایبند می‌باشند. از لحاظ تأثیرپذیری گروه دوستان یافته‌ها بیانگر آن است که پاسخگویان متأهل کمتر از مطلقه‌ها تحت تأثیر گروه دوستانشان هستند. از نظر همسان همسری، پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته از همسان همسری برخوردارند. از بُعد تفاهم زناشویی نتایج نشان داد که پاسخگویان متأهل بیشتر از مطلقه‌ها در زندگی مشترک با همسرشان تفاهم داشته‌اند. و نهایتاً از لحاظ اعتماد به همسر، پاسخگویان متأهل بیشتر از پاسخگویان طلاق گرفته به همسرشان اعتماد داشته‌اند.

نتایج همبستگی بین متغیرها نیز نشان داد که بین مؤلفه‌های مثل اعتماد، رضایت و امنیت اقتصادی، تفاهم، همسان همسری و ارضای نیازهای عاطفی رابطه‌ی مثبت برقرار است و هرچه میزان همسان همسری و پایبندی دینی بالا باشد، رضایت در زندگی و به تبع آن ارضای نیازهای عاطفی در زندگی و احساس تعلق به خانواده بالا می‌رود. در بخش استنباطی، ۹ فرضیه با آزمون‌های معتبر آماری به آزمون کشیده شد. یافته‌ها نشان داد که میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، تأثیرپذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. به عبارت دیگر تمامی متغیرهای فوق در افزایش و کاهش طلاق تأثیر دارند.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لوجستیک، بیانگر آن است که سه متغیر امنیت اقتصادی (۰.۹۱۲)، رضایت از زندگی (۰.۸۳۴) و همسان همسری (۰.۹۰۸) دارای ضرایب معنادار در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ هستند و این متغیرها قادر به پیش‌بینی متغیر ملاک هستند.

### پیشنهادات و راهکارها

با توجه به مراحل مختلف انجام این پژوهش و نتایج حاصله، می‌توان پیشنهادات و راهکارهای ذیل را بیان نمود:

- یافته‌های تحقیق، حاکی از تأثیر ارائه آموزش‌های خانواده سالم بر کاهش احتمال وقوع طلاق در زوجین در مقایسه با زوجینی که چنین آموزش‌هایی را دریافت نمی‌کنند، می‌باشد. لذا بر این اساس پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های ذیربط از جمله شهرداری به ادامه و تقویت چنین آموزش‌هایی اهتمام بیشتری ورزند. بهبود شرایط تحصیلی زوجین و توسعه آموزش‌های مورد نیاز از جمله آموزش‌های خانواده سالم و بهداشت جنسی به زوجین قبل از ازدواج و حتی اجباری کردن آنها توصیه می‌شود.

- نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه که هرکدام علل مختلفی را برای افزایش طلاق مطرح نموده‌اند به نحوی به اطلاع عموم مردم برسد و از طریق رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی ابعاد مختلف این علل بررسی و بر مبنای تحلیل‌های علمی، با رویکرد جامعه شناختی اطلاع رسانی شود.

- با توجه به توسعه شهرنشینی و تغییر ساختارهای اجتماعی و کاهش نهادهای سنتی متولی امور خانواده و ازدواج، لازم است ازدواج‌ها با شناخت بیشتر صورت پذیرد و گفتگوها و جلسات آشنایی و سایر روش‌های شناخت قبل از ازدواج بیشتر باشد تا آشنایی فکری و نگرشی طرفین بیشتر روشن شود خصوصاً در مواردی که یکی از زوجین یزدی نباشند و متأثر از فرهنگ و آداب و رسوم خاصی باشند.

- مشکل بیکاری جوانان در جامعه جدی گرفته شود و با اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد رونق در تولید و آموزش‌های مختلف کارایی و کارآفرینی با حمایت جدی دولت این مسأله به حداقل ممکن کاهش یابد.

- با توجه به اینکه بیشترین آمار طلاق مربوط به طبقات متوسط و پائین تر جامعه بوده است لذا پیشنهاد می‌شود به این طبقه اجتماعی از هر نظر توجه بیشتری شود؛ خصوصاً رسیدگی به مسائل معیشتی و رفاهی و آموزشی و فرهنگی آنان.

- با توجه به اینکه استان بوشهر در مسیر ترانزیت مواد مخدر از کشورهای شرقی همسایه ایران به سایر نقاط و اروپا قرار گرفته است، آسیب‌شناسی و پیش‌گیری از اعتیاد و معتادین موجود باید در رأس سازمان‌های مربوطه خصوصاً بهداشت و درمان، بهزیستی و متولیان امور فرهنگی و اجتماعی استان قرار گیرد.

- آموزش‌های مهارت‌های زندگی برای جوانان از سطوح آموزش پایین گرفته تا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دنبال شود و نهادهای غیررسمی اجتماعی هم می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند تا زندگی زوج‌های جوان در مقابل برخی مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی دچار اختلال و عدم تعادل نشود.

## منابع

- آماتو، پل (۲۰۰۳)، «پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان»، ترجمه مهناز محمدی‌زادگان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ازکمپ، استوارت (۱۳۶۹)، «روانشناسی اجتماعی کاربردی»، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، «آنومی یا آشفتگی اجتماعی»، تهران، انتشارات سروش.
- ریحانی، ط، و عجم، م (۱۳۸۱)، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، افق دانش، ۸(۲)، ۹۶-۱۰۲.
- زرگر، ف، و نشاط دوست، ح. ط. (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳، ۳۷-۴۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده»، تهران، چاپ هشتم، انتشارات سروش.
- سیف، سوسن (۱۳۸۱)، «بررسی مقایسه‌ای میزان پیامدهای طلاق در زنان و مردان ایرانی مقیم ایران، ایرانی مقیم آمریکا، آمریکایی مقیم امریکا»، کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۶۹)، «آیا می‌دانید طلاق و مسائل آن کدامند؟»، تهران، انتشارات پلیکان.
- کاملی، جواد (۱۳۸۶)، «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر بر بروز آسیب‌های اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی»، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- گلشن، صیاد (۱۳۷۲)، «بررسی طلاق و عوامل اجتماعی- جمعیت‌شناسی مؤثر بر آن در سال‌های ۶۴-۷۰»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- گود، ویلیام، جی (۱۹۴۸)، «خانواده و جامعه»، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- مساواتی، مجید (۱۳۷۴)، «آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)»، تبریز، انتشارات نوبل.
- Conger & Elder, (1900) Linking Economic hardship to material quality in stability. Journal of marriage and the family.
- Udry. R. (1971), Social control of marriage. Newyork .